



ارزش علم و دانش



محمد تقی صرفی پور

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند منان
را و درود و صلوات بر محمد مصطفی
و اهل بیت پاک و طاهرینش.

در ارزش علم همین بس که خداوند
متعال در سوره زمر ایه 11 می
فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...؛ بگو یا کسانی

که می دانند با کسانی که نمی دانند
...برابر هستند؟

از همان ابتدا که بشر آفریده شد،
شروع به یادگیری کرد. خداوند می
فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...»؛ و
آموخت (یاد داد) به آدم همه نام ها را
...»

فرشتگان دانستند که مقام انسان با
دانشی که خداوند به او عطا کرده
است از ملائکه بالاتر است.

رسول خدا(ص) فرمودند: «طلب علم در نزد خدا از نماز و روزه و حج در راه خدا برتر است.» ایشان همچنین فرمودند: «یک ساعت علم اندوزی بهتر از عبادت در دل شب است و یک روز علم اندوزی بهتر از سه ماه روزه داری است.» پیامبر خدا(ص) طلب علم را بر هر زن و مرد مسلمانی واجب دانسته آن را کفاره گناهان گذشته شخص معرفی کرده اند

در این کتاب پیرامون ارزش علم
مطالب متنوعی آورده شده است.

زمستان 1401. کرمانشاه

ارزش علم و دانش

خداوند در قرآن کریم، با تأکید هرچه بیشتر، مردم را به فراگیری علم و مبارزه با جهل دعوت کرده و افراد فاقد علم را نابینا و اعمی شمرده است درباره آثار و نتایج بی دانشی و نادانی در قرآن کریم مطالب زیادی آمده است که برخی از آنها عبارتند از

1. فرزند قائل شدن برای خدا

و جعلوا لله شركاء الجن و خلقهم و
خرقوا له بنين و بنات بغير علم سبحانه
و تعالى عما يصفون». (انعام 100)

2. دشنام دادن به خدا

و لا تسبوا الذين يدعون من دون الله «
فيسبوا الله عدوا بغير علم كذلك زينا
لكل امه عملهم ثم الى ربهم فينبئهم
بما كانوا يعملون». (انعام 108)

3. دروغ بستن به خدا

فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا «
ليضل الناس بغير علم إن الله لا يهدي
القوم الظالمين». (انعام، 144)

4. مجادله درباره خدا و پیروی از

شیطان

و من الناس من يجادل في الله «
بغير علم ويتبع كل شيطان
مرید» (حج، 3)

5. پرستش غیر خدا

ويعبدون من دون الله ما لم ينزل به «
سلطاناً و ما ليس لهم به علم و ما
لظالمين من نصير» (حج، 71)

6. پیروی از هوای نفس

بل اتبع الذين ظلموا اهواءهم «
بغير علم فمن يهدي من اضل الله وما
لهم من ناصرين» (روم، 29)

7. گمراه ساختن مردم

و إن كثيرًا يضلون بأهوائهم بغير علم «
إن ربك هو اعلم بالمعتدين» (انعام
، 119)

8. فرزند کشی و حرام کردن حلال

خدا

قد خسر الذین قتلوا او لدهم سفها «

بغیر علم و حرموا ما رزقهم الله

افتراء علی الله قد ضلوا و ما کانوا

مهتدین» (انعام، 140)

9. قبول سخنان بیهوده و تمسخر قرآن

و من الناس من یشتری لهو الحدیث «

لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها

هزوا اولئک لهم عذاب مهین « (لقمان

6،

10. دچار شدن به پلیدی

و يجعل الرجس على الذين لا «
يعقلون» (یونس 100)

11. تنزل یافتن به مقام حیوانیت

إن شر الدوآب عند الله الصم البکم «
الذين لا يعقلون» (انفال ، 22)

12. اهل جهنم شدن

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا فی «
أصحاب السعیر» (ملک، 10)

تعبیرات قرآن کریم از علما و

دانشمندان

در قرآن کریم، تعبیرات و اصطلاحات
گوناگونی برای علما و دانشمندان ذکر
شده که عبارت از: «علما، عالمون و
عالمین، الذین یعلمون، الذین اوتوا
العلم، الراسخون فی العلم، اولوا العلم
، اولوا الالباب و اولی الالباب ، اولی النهی
، اولی الابصار ، من عنده الكتاب من
عبده من الكتاب ، قوم يعملون قوم
يعقلون ، قوم يتفكرون
نشانه ها و ویژگی های عالمان حقیقی
در قرآن کریم

در این باره علاوه بر قرآن کریم، در روایات نیز مطالب فراوانی آمده است. امام علی (ع) فرموده اند: «عالم را سه نشانه است: دانش و بردباری و خاموشی». (محمدی ری شهری، 1385، ج 8، ص 3987) لقمان در اندرز به فرزندش فرمود: «عالم را سه نشانه است: شناخت خدا و شناخت آنچه او دوست دارد و آنچه دوست ندارد». (محمدی ری شهری، 1385، ج 8، ص 3987)

درویش‌گی‌های عالم از امام علی
(ع) روایت شده است که: «عالم کسی
است که قدر و منزلت خود را بشناسد
و آدمی را همین نادانی بس که
منزلتش را نشناسد». (محمدی ری
شهری

، 1385، ج 8، ص 3987) نیز: «عالم کسی
است که از دانش سیرنشود و وانمود
از سیر شدن از آن نیز نکند». (محمدی
ری شهری، 1385، ج 8، ص 3987)
در قرآن کریم نیز ویژگی‌ها و نشانه

های بسیاری برای عالمان و دانشمندان ذکر شده است که به
:برخی از آنها اشاره می کنیم
1. اهل توحید و هم ردیف فرشتگانند :
شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة «
واولو العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو
العزیز الحکیم»؛ (آل عمران ، 18) خدا
که همواره به عدل ، قیام دارد ، گواهی
می دهد که جز او هیچ معبودی نیست
و فرشتگان [نیز گواهی می دهند که
:] جز او ، که توانا و حکیم است ، هیچ

معبودی نیست.

در این آیه، دانشمندان واقعی هم «
ردیف فرشتگان قرار گرفته اند و این
خود امتیاز دانشمندان را بر دیگران
اعلام می کند. همچنین از این آیه
استفاده می شود که امتیاز دانشمندان
از این نظر است که در پرتو علم خود
به حقایق اطلاع یافته اند و به یگانگی
خدا که بزرگترین حقیقت است
معترفند». (مکارم شیرازی
، 1373، ج 2، ص 468)

از امام باقر (ع) روایت شده که مراد از
اولوا العلم در این آیه، انبیا و اوصیا
هستند و برخی مفسران نیز آن را به
ائمہ اطہار تفسیر کرده اند که مظهر
اتم و اکمل اولو العلم هستند. قرائتی
، 1383، ج 2، ص 31؛ مکارم شیرازی
(، 1373، ج 2، ص 468)

2. آیات و نشانه های الهی را در جهان
هستی می بینند و درس خداشناسی
می گیرند

فی ذلک لایت لاولی النهی».(طه، 54)
إِن فی خلق السموات و الارض و «
اختلف الیل و النهار و الفلک التی
تجرى فی البحر بما ینفع الناس و ما
انزل الله من السماء من مِأٍ فأحیا به
الارض بعد موتها و بث فیها من کل
دابةً و تصریف الریاح و السحاب
المسخرین السماء والارض لایت لقوم
یعقلون»؛(بقره، 164)
راستی که در آفرینش آسمان ها و
زمین و در پی یکدیگر آمدن شب

وروز، و کشتی هایی که در دریا روانند
با آنچه به مردم سود می رساند ، و
[همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو
فرستاده و با آن ، زمین را پس از
مردنش زنده گردانیده و در آن
هر گونه جنبنده ای پراکنده کرده ، و
[نیز در] گردانیدن بادها و ابری که
میان آسمان و زمین آرمیده است
، برای گروهی که می اندیشند ، واقعاً
. نشانه هایی [گویا] وجود دارد
و من ءآيته خلق السموات والارض و »

اختلف ألستكم و ألوانكم إِنْ فِي
ذلک لآیت للعالمین»؛ (روم، 22) واز
نشانه های [قدرت] او آفرینش آسمان
ها و زمین و اختلاف زبان های شما و
رنگ های شماست. قطعاً در این امر
[امر نیز] برای دانشوران نشانه هایی
است.

در تفسیر نمونه در توضیح و تفسیر
اینگونه آیات آمده است: «در هر حال
روی سخن قرآن همه جا با
اندیشمندان و متفکران و صاحبان مغز

وعقل است و با توجه با اینکه قرآن از محیطی برخاسته که در آنجا جز جهل حکومت نمی کرد، عظمت این تعبیر آشکارتر می شود و هم پاسخی است دندان شکن به آنها که به خاطر بعضی از مذاهب خرافی، خط قرمز روی همه مذاهب راستین کشیده اند و می گویند مذهب، وسیله تخدیر و از کار انداختن اندیشه هاست و ایمان به خدا مولود جهل آدمی است. اینگونه آیات قرآن که تقریباً در همه سوره ها گسترده

است، به وضوح می گوید مذهب
راستین، زاییده اندیشه و تفکر و تعقل
است و اسلام در همه جا سرو کار با
متفکران و اندیشمندان و اولواالباب
دارد نه با جاهلان و خرافاتیان یا
روشنفکر نمایان بی منطق « (مکارم
شیرازی، 1373، ج 11، ص 178)
3- به قرآن و کتاب های آسمانی
پیشین ایمان واعتقاد دارند، نماز به پا
می دارند، زکات می دهند و به خدا
وروز جزا ایمان دارند .

لكن الراسخون فى العلم منهم و «
المؤمنون بما انزل اليك و ما انزل من
قبلك والقيمين الصلوه و الموتون
الزكوه و المؤمنون بالله واليوم الآخر
اولئك سنوتهم اجرا عظيما» (نساء
،162)

ليكن راسخان آنان در دانش
مومنان، به ناچار بر تو نازل شده است
وبه آنچه پيش از تو نازل گرديده
ايمان دارند و خوشا بر نماز گزاران و
زكات دهندگان و ايمان آورندگان به

خدا و روز باز پسین که به زودی به
. آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد
4- اهل عبادت و ذکر و دعا و مناجاتند
، در خلقت آسمان و زمین تفکر می
کنند ، از رسوایی درپیشگاه حق
وحشت دارند ، ایمان آورندگان به
رسولان الهی و منادیان ایمان هستند
و دعایشان مستجاب است .
ان فی خلق السوات والارض واختلف
اللیل و النهار لایات لاولی الالب *
الذین یذکرون الله قیاما و علی جنوبهم

و يتفكرون في خلق السموات و الارض
ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانه فقنا
عذاب النار * ربنا انك من تدخل النار
فقد اخزيته وما للظلمين من انصار*ربنا
اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا
بربكم فامنا ربنا فغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا
سيئاتنا وتوفنا مع الابرار *ربناواتنا ما
وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم
القيمه انك لا تخلف الميعاد*فاستجاب
لهم ربهم اني لا اضيع عمل عامل منكم
من ذكر او انثى بعضكم من بعض

«(آل عمران 190 تا 195)

مسلم در آفرینش آسمان و زمین و در
پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای
خردمندان نشانه هایی قانع کننده
است همانا که خدا را در همه احوال
ایستاده و نشسته و به پهلوی آرمیده یاد
می کنند و در آفرینش آسمان و زمین
می اندیشند [که:] پروردگارا هر که تو
را در آتش آوردی یقیناً رسوایش
کردی و برای ستمکاران یاورانی نیست
پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به

ایمان فرا می خواند که: «به پروردگار
خود ایمان آورید» پس ایمان آوردیم.
پروردگارا گناهانمان را ببامرز و بدی
های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان
بمیران. پروردگارا آنچه را به وسیله
فرستادگانت به ما وعده دادی به ما
عطا کن و ما را روز رستاخیز رسوا
مگردان، زیرا تو وعده ات را خلاف
نمی کنی پس پروردگارشان دعای
آنان را اجابت کرد [و فرمود که] من
عمل هیچ صاحب عملی از شما را از

مرد یا زن که همه از یکدیگرند ، تباه
نمی کنم .

5- در برابر آیات الهی به خاک می
افتند و گریه می کنند و تلاوت آیات
قرآن بر خشوع آنان می افزاید .

قل آمنوا به او لا تومنوا ان الذین اوتو
العلم من قبله اذا يتلى عليهم يحزون
للاذقان سجدا * ويقولون سبحان ربنا
ان كان وعد ربنا لمفعولا * وتحزون
للاذقان يبكون ويزيدهم خشوعا
*؛ (اسراء 107 تا 109)

بگو: [چه] به آن ایمان بیاورید یا
نیاورید، بی گمان کسانی پیش از
[نزول] آن دانش یافته اند، چون این
کتاب بر آنان خوانده شود سجده کنان
به روی در می افتند و می گویند: منزّه
است پروردگار ما که وعده پروردگار
ما که وعده پروردگار ما قطعاً انجام
شدنی است و بر روی زمین در می
افتد و می گریند و بر فروتنی آنها می
. افزاید
در این آیات منظور از «الذین اوتوا

العلم من قبله «جمعی از دانشمندان
یهود و نصارا است که پس از شنیدن
آیات قرآن و مشاهده نشانه هایی که
در تورات و انجیل خوانده بودند
،ایمان آوردند و در صف مؤمنان
راستین قرار گرفتند و جزء دانشمندان
اسلام شدند .(مکارم شیرازی
1373، ج12، ص319)
این آیات بیانگر رابطه عمیق علم و
ایمان است . عالمان بیدار دل نه تنها به
آیات الهی ایمان می آورند بلکه

آنچنان عشق به الله در وجودشان
شعله می کشد که بی اختیار در برابر
آن به سجده می افتند و سیلاب اشک
بر رخسارشان جاری می شود و هر
زمان خشوع و خضوعشان بیشتر می
گردد. تنها فرومایگان جاهل هستند
که در برخورد با حقایق، گاه با بی
اعتنایی و گاهی با سخریه و استهزاء از
کنار آن می گذرند. قرآن تأکید می
کند که علم و ایمان همه جا با هم
هستند، ایمان عمیق و پابرجا، جز در

سایه علم ممکن نیست و علم نیز در
مراحل عالی تر و بالاتر، از ایمان کمک
می گیرد. (مکارم شیرازی
، 1373، ج 12، ص 323)
6. تنها عالمان به مقام خشیت الهی می
رسند.

و من الناس و الدواب و الأنعم «
مختلف الونه، كذلك إنما يخشى الله
من عباده العلماء إن الله عزيز
غفور»؛ (فاطر، 28)
و از مردمان و جانوران و دام ها که

رنگ هایشان همان گونه مختلف است

[پدید آوردیم]. از بندگان خدا تنها

دانایند که از او می ترسند، آری، خدا

.ارجمند آمرزنده است

خداوند پس از بیان یک سری نشانه

های توحیدی، از آنجا که بهره گیری

از این آیات بزرگ آفرینش، بیش از

همه برای بندگان خردمند و دانشمند

است، در ادامه آیه می فرماید: تنها

بنندگان عالم و دانشمندند که از خدا

می ترسند. آری از میان تمام بندگان

، دانشمندان هستند که به مقام عالی،
خشیت، یعنی ترس از مسئولیت توأم
با درک عظمت مقام پروردگار، نائل
می گردند. این خشیت مولود سیر
در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از
علم و قدرت پروردگار و هدف
آفرینش است. از این جمله ضمناً این
نتیجه به خوبی گرفته می شود که
عالمان واقعی آنها هستند که در برابر
وظایف خود احساس مسئولیت شدید
دارند و به تعبیر دیگر اهل علم اند نه

سخن .همین حقیقت در حدیثی از امام
زین العابدین (ع) آمده است که
فرمودند :علم و عمل دو دوست
صمیمی اند ، کسانی که خدا را بشناسند
،از او می ترسند و همین ترس او را
و ادار به عمل و اطاعت فرمان خدا می
کند . کوتاه سخن اینکه عالمان در
منطق قرآنی کسانی نیستند که
مغزشان صندوقچه آراء و افکار این و
آن و انباشته از قوانین و فرمول های
علمی جهان و زبانشان گویای این

مسائل و محل زندگیشان مدارس و دانشگاه ها و کتابخانه هاست ، بلکه علما آن گروه از صاحب نظران و دانشمندان هستند که نور علم و دانش تمام وجودشان را به نور خدا و ایمان و تقوا روشن ساخته و نسبت به وظایفشان سخت احساس مسئولیت می کنند و از همه پای بند ترند .(مکارم شیرازی ، 1373، ج18، صص 248 و 249)

این آیه روشن می سازد که خشیت به

معنی حقیقی کلمه ،تنها در علما یافت
می شود و مراد از علما ،علمای بالله
است یعنی کسانی که خدای سبحان را
به اسماء و صفات و افعالش می شناسد
.مراد از خشیت در چنین زمینه ای
،همان خشیت حقیقی است که دنبالش
خشوع باطنی و خضوع در ظاهر پیدا
می شود .(موسوی همدانی
،1363،ج17،ص59)

7. توجه آنها در زندگی به خدا و
کارهای خدا پسندیده و اجر و پاداش

اخروی است و زرق و برق های دلشان
را خیره نمی کند و دچار حسرت نمی
سازد.

و قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب «
الله خیر لمن ءامن و عمل صالحاً ولا
یلقها الا الصبرون»؛ (قصص، 80)

و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند
،[خطاب به کسانی که حسرت ثروت
قارون را می خورند] گفتند: وای بر
شما! برای کسی که گرویده و کار
شایسته کرده پاداش خدا بهتراست و

. جز شکیبایان آن را نیابند
تعبیر «الذین اوتوا العلم» در این آیه
، پاسخ کوبنده است به قارون که خود
را عالم می دانست . «قال انما أوتيته
على علم عندی»؛ (قصص، 78) قرآن
می گوید :عالم اینها هستند که افق
فکرشان این چنین بلند است نه تو
خیره سر و مغرور . به این ترتیب باز
می بینیم که ریشه همه برکات و
خیرات به علم و دانش حقیقی باز می

گردد. (مکارم شیرازی
، 1373، ج 16، ص 166)

8. قدرت تشخیص حق از باطل را
دارند و به حقانیت قرآن و هدایتگری
آن آگاهی و ایمان دارند و علمشان
مایه خضوع قلبی آنان می شود.

و لیعلم الذین اوتوا العلم انه الحق «
من ربک فیؤمنوا به فتحت له قلوبهم و
إن الله نهاده الذین ءامنوا الی صراط
مستقیم»؛ (حج، 54) و تا آنان که دانش
یافته اند بدانند که این [قرآن] حق

است [و] از جانب پروردگار توست
بدان ایمان آورند و دل هایشان برای
او خاضع گردد و به راستی خداوند
کسانی را که ایمان آورده اند ، به سوی
.راهی راست راهبر است

و یری الذین اوتوا العلم الذی انزل «
إلیک من ربک هو الحق و یهدی الی
صراط العزیز الحمید «؛ (سبأ، 6) و
کسانی که از دانش بهره یافته اند ، می
دانند که آنچه از جانب پروردگارت به
سوی تو نازل شده ، حق است و به راه

آن عزیز ستوده [صفات] راهبری می کند.

9. خداوند، حقایق آیات قرآن را برای آنها شرح می دهد و آشکار می سازد؛ زیرا چهره حقیقت را می بیند و آمادگی پذیرش حق را دارند.

ضرب لكم مثلاً فیہ من انفسکم هل «
لکم من ما ملکتم ایمنکم من شرکاء فی
ما رزقنکم فانتم فیہ سواء تخافونهم
کخیفتم انفسکم کذلک فصل الایات
لقوم یعقلون»؛ (روم 28) [خداوند]

برای شما از خودتان مثلی زده است
:آیا در آنچه به شما روزی داده ایم
شریکانی از بردگانتان دارید که در
آن [مال به هم] مساوی باشید و همان
گونه که شما از یکدیگر بیم دارید از
آنها بیم داشته باشید؟ اینگونه، آیات
خود را برای مردمی که می اندیشند
. ، به تفصیل بیان می کنیم
و کذلک نصرف الایت و ليقولوا «
درست و لنبینه، لقوم يعلمون»؛ (انعام
، 105) و اینگونه آیات [خود] را

گوناگون بیان می کنیم، تا مبادا بگویند
تو درس خوانده ای و تا اینکه آن را
برای گروهی که می دانند روشن
. سازیم

10. اهل تعقل و تفکرند و دقایق و
ریزه کاری های مثال های قرآنی را
درک می کنند.

وتلك الامثل نضربها للناس و ما «
يعقلها إلا العالمون»؛ عنكبوت، (43) و
این مثل ها را برای مردم می زنیم و
[لی] جز دانشوران آنها را دریابند

اینکه خداوند فرمود «ما یعقلها» دلیل بر آن است که منظور درک حقیقت و مغز آن مثل هاست و گرنه بسیاری از غیر دانایان هستند که به ظواهر آن مثل ها ایمان دارند. پس درک مثل هایی که در کلام خدا زده شده، نسبت به فهم و شعور مردم مختلف است. بعضی از شنوندگان هستند که به جز شنیدن الفاظ آن و تصور معانی ساده اش بهره ای از آن نمی برند، زیرا در آن تعمق نمی کنند. بعضی

دیگر هستند که علاوه بر آنچه که
دسته اول می شنوند و می فهمند، در
مقاصد آن تعمق هم می کنند و حقایق
باریک و دقیقش را درک می نمایند
(موسوی همدانی).

، 1363، ج 16، ص 196)

11. آیات الهی بر دل آنها می نشیند و
دلشان مخزن آیات الهی است.

بل هو ءآیت بینت فی صدورالذین «
اوتوا العلم وما یجد بایتنا إلا الظلمون
«(عنکبوت، 49) بلکه [قرآن] آیاتی

روشن در سینه های کسانی است که
علم [الهی] را یافته اند، و جز ستمگران
.. منکر آیات ما نمی شوند

12. اهل پند پذیری و عبرت اند .

یوتی الحکمۃ من یشاءو من یؤت «
الحکمۃ فقد أوتی خیراً کثیراًو ما یذکر
إلا اولوا الالباب»؛ (بقره، 269) [خدا] به
هر کسی که بخواهد حکمت می بخشد
و به هر کس حکمت داده شود، به
یقین، خیری فراوان داده شده است و
جز خردمندان، کسی پند نمی گیرد.

افمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك «
الحق كمن هو اعمى إنما يتذكر اولوا
الباب»؛ (رعد، 19) پس، آیا کسی می
داند آنچه از جانب پروردگارت به تو
نازل شده، حقیقت دارد، مانند کسی
که کور دل است؟ تنها خردمندانند که
. عبرت می گیرند

ذکری لاولی البب «

«(ص، 43؛ زمر، 21؛ غافر، 54)، «إِن فِي
ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ». (آل عمران
، 13؛ نور، 44)

13. خداوند به برخی از آنان قدرت خارق العاده ای داده که می توانند بر طبیعت و قوانین آن چیره شوند.

قال الذی عنده ،علم من الکتب أنا «
ءالکتب أناءاتیک به قبل أن یرتد
ألیک طرفک فلما رءاه مستقراً عنده
قال هذا من فضل ربی لیبلونی
ءأشکرام أكفر و من شکر فإنما یشکر
لنفسه و من کفر فإن ربی غنی کریم
«(نمل ،40) کسی که نزد او دانشی از
کتاب [الهی] بود ،گفت :من آن را

پیش از آنکه چشم خود را برهم زنی
برایت می آورم .پس چون [سلیمان
[آن [تخت] را نزد خود مستقر دید
،گفت :«این از فضل پرودگار من است
،تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا
ناسپاسی می کنم و هرکسی سپاس
گزارد ،تنها به سود خویش سپاس می
گزارد و هر کس ناسپاسی کند ،بی
گمان پروردگارم بی نیاز و کریم
است.
کسی که مقداری از علم کتاب را می

دانست، آصف بن برخیا، وزیر حضرت
سلیمان و خواهر زاده او بود، چنانچه
از امام هادی (ع) نیز نقل شده است
.امام باقر (ع) نیز فرموده اند: «اسم
اعظم الهی هفتاد و سه حرف است که
آصف بن برخیا تنها با دانستن یک
حرف چنین قدرت نمایی کرد
». (قرائتی، 1383، ج 8، ص 423) در
اینکه منظور از علم کتاب چیست
گفته اند: مراد از آن، یا آگاهی از کتب

آسمانی یا لوح محفوظ و یا اسم اعظم است. (قرائتی، 1383، ج 8، ص 424)
14. درجات والایی نزد خداوند دارند.

یا ایها الذین ءامنوا إذا قیل لکم «
تفسحوا فی المجلس فافسحوا الله لکم
و اذا قیل انشزوا یرفع الله الذین ءامنوا
منکم و الذین اوتوا العلم درجت و الله
بما تعملون خبیر»؛ (مجادله، 11) ای
کسانی که ایمان آورده اید، چون به
شما گفته شود: «درمجالس جای
باز کنید»، پس جای باز کنید تا خدا

برای شما گشایش حاصل کند و چون گفته شود: «برخیزید»، پس برخیزید. تا خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [برحسب] درجات، بلند گرداند و خدا به آنچه می کنید آگاه است. آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می برد دو چیز است: 1. ایمان 2. علم می دانیم مقام شهید در اسلام والاترین مقام است. در عین حال در حدیثی از پیامبر (ص) می خوانیم: عالم یک

درجه از شهید بالاتر است و شهید یک
درجه از عابد... و برتری عالم بر سایر
مردم مانند برتری من بر کوچکترین
آنهاست. در حدیث دیگری از
امیرالمؤمنین علی (ع) می خوانیم: کسی
که مرگ او فرا رسد درحالی که در
طلب علم است میان او و پیامبران یک
درجه فاصله است. در حدیثی دیگر از
پیامبر (ص) آمده است: برتری عالم
بر عابد همچون برتری ماه در شب بدر
بر سایر فرشتگان است.

جالب اینکه عابد عبادتی را انجام می دهد که هدف آفرینش انسان است ولی از آنجا که روح عبادت معرفت است، عالم بر او برتری فوق العاده دارد.

در حدیث دیگری از پیامبر (ص) آمده است: سه گروه در قیامت شفاعت می کنند: پیامبران، علما و شهیدان. در حقیقت موفقیت در طریق تکامل و جلب خشنودی خدا و قرب او مرهون دو عامل است «ایمان و علم یا آگاهی

و تقوی که هیچکدام بدون دیگری
برای هدایت و پیروزی کافی
نیست. (مکارم شیرازی
، 1373، ج 23، صص 443 و 444)
15. در عالم برزخ نیز از حیات آگاهانه
ای برخوردارند .

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما «
لبثوا غیر ساعة کذلک کانوا یؤفکون
(55) و قال الذین اوتوا العلم و الایمن
لقد لبثتم فی کتب الله الی یوم البعث
فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لا

تعلمون «؛(روم، 55و56) و روزی که رستاخیز برپا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی [بیش [درنگ نکرده اند؛ [دردنیا هم [این گونه به دروغ کشانیده می شدند. و [لی] کسانی که دانش و ایمان یافته اند، می گویند: «قطعاً شما [به موجب آنچه [در کتاب خدا [است] تا روز رستاخیز مانده اید و این، روز رستاخیز است. ولی شما خودتان نمی دانستید مجرمان و گناهکاران نادان همان گونه

که در دنیا از درک حقیقت عاجز بودند در قیامت نیز محرومند و سوگند یاد می کنند که فقط ساعتی در عالم برزخ توقف داشتند. اما اهل علم و ایمان نه تنها در دنیا در برزخ نیز حیات آگاهانه ای دارند و حقایق را درک می کنند. در این آیه، مقدم داشتن علم بر ایمان به خاطر آن است که علم پایه ایمان است (مکارم شیرازی، 1373، ج 16، ص 485)

16. سخن گویان قیامت هستند.

ثم يوم القيمة يخزيهم و يقول اين «
شركاءى الذين كنتم تشاقون فيهم قال
الذين اوتوا العلم
ان الخزى اليوم و السوء عاى الكافرين
«(نحل ، 27) سپس روز قيامت آنان را
رسوا مى كند و مى گويد : كجايند آن
شريكان من كه درباره آنها [با
پيامبران] مخالفت مى كردند ؟ كسانى
كه به آنان علم داده شده است مى
گويند : در حقيقت ، امروز رسوايى و
خوارى بر كافران است

از این آیه روشن می شود که سخن گویان در قیامت، عالمان و دانشمندان خواهند بود، زیرا در آن محضر بزرگ باید سخنی گفت که خلاقی در آن نباشد و این از کسی جز عالمان با ایمان ساخته نیست که مصداق اتم و اکمل آن امامان معصوم اند. (مکارم شیرازی، 1373، ج 11، ص 204)

17. از گواهان روز قیامتند و شهادت آنان در کنار شهادت خداوند قرار می گیرد.

ويقول الذين كفروا لست مرسلًا قل «
كفى بالله شهيدًا بيني وبينكم و من عنده
علم الكتب»؛ (رعد، 43) و کسانی که
کافر شدند می گویند: تو فرستاده
نیستی. بگو: کافی است خدا و آن کس
که نزد او علم کتاب است، میان من
و شما گواه باشد.
در کتاب های تفسیر «من عنده علم
:الكتاب» به افراد زیر اطلاق شده است
آگاهان از محتوای قرآن مجید یا 1.
کتب آسمانی

2. دانشمندان اهل کتاب که نشانه های 2. پیامبر (ص) را در کتاب های آسمانی خود خوانده بودند و از روی علاقه و آگاهی به او ایمان آوردند.

3. علی بن ابی طالب و ائمه هدی 3. (ع) که مصداق تام و کامل این موضوع هستند.

مطابق روایات، مراد از کسی که علم همه کتاب را دارد، حضرت علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) می باشد. (قرائتی، 1383، ج 6، ص 251)

نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده، روشن شد که علم و دانش در فرهنگ اسلام جایگاه بسیار عظیم و رفیعی دارد و مقام دانشمند حقیقی حتی از عابد و زاهد و شهید و مجاهد فی سبیل الله نیز برتر و بالاتر است. در قرآن کریم نیز، روی سخن همه جا با دانشمندان و اندیشمندان و متفکران و صاحبان عقل و خرد و اندیشه و فکر است؛ آنهایی که دریچه قلبشان به سوی حق و

حقیقت گشوده است و با تمام وجود
طالب و تشنه حقیقت و یقین اند و با
تفکر و سیر در آیات آفاقی و انفسی
،روح و جانیشان را به سوی جان جهان
و معبود و پروردگارشان پرواز می
دهند.

نشانه ها و ویژگی هایی که برای این
عالمان راستین در قرآن کریم ذکر
: شده است عبارت است از

1. اهل توحید و هم ردیف فرشتگانند.
2. آیات و نشانه های الهی را درک می .

1. کنند و درس خدا شناسی می گیرند.
2. به خدا و روز جزا ایمان قلبی دارند.
3. خدا را از هر عیبی پاک و منزّه می دانند.
4. به قرآن و کتاب های آسمانی.
5. پیشین ایمان و اعتقاد دارند.
6. نماز به پا می دارند.
7. زکات می دهند.
8. اهل عبادت و دعا و ذکر و مناجاتند.
9. به لطف و رحمت حق امیدوارند.

10. خدا ترس بوده و از عذاب جهنم و رسوایی روز جزا بیمناکند.
11. در برابر عظمت آیات الهی به خاک می افتند و گریه می کنند.
12. دارای خشوع و خضوع هستند.
13. قدرت تشخیص حق از باطل را دارند.
14. عمق نگرند و حقایق را درک می کنند.
15. به حقانیت آیات قرآن اعتقاد دارند.

16. خداوند حقایق قرآن را برای آنها.

روشن می سازد و مخاطب خداوند

هستند و خداوند آیات خود را برای

آنها شرح و بسط می دهند.

17. عبرت پذیرند و جهان را صحنه.

عبرت ها می دانند.

18. اهل تفکرند و ریزه کاری های

مثال های قرآنی را می فهمند.

19. عبرت پذیرند و جهان را صحنه.

عبرت ها می دانند.

20. برخی از آنان که از علم کتاب و

اسماء اعظم الهی بهره مندند، دارای
قدرت خارق العاده اند و بر طبیعت و
قوانین آن چیره می شوند.

پیوسته بر درجاتشان افزوده می
شود.

در عالم برزخ نیز از حیات آگاهانه
ای برخوردارند.

سخن گویان قیامت و محضر
خداوند هستند.

از گواهان قیامت اند و گواهی
آنان در کنار گواهی خداوند قرار می

.گیرد

.اهل بهشت و رستگاری هستند. 25.

کتابنامه

قرآن کریم. 1.

قرائتی، محسن، (1383)، تفسیر نور. 2.

،مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن

،ج 1، 2، 3، 5، 6، 8،

محمدی ری شهری، محمد. 3.

،(1385)، میزان الحکمه، انتشارات

دارالحديث، ج 8

مکارم شیرازی، ناصر؛ و جمعی از. 4.

همکاران، (1373)، تفسیر نمونه

، دارالکتب الاسلامیه، ج

2، 11، 12، 13، 16، 18، 23، 24.

موسوی همدانی، محمد باقر. 5.

، (1363)، ترجمه تفسیرالمیزان

، ج 16 و 17

منبع: نشریه مجموعه مقالات قرآن و

علم

بعد از پیامبران وامامان علیهم
السلام، برترین افراد بشریت، علماء
وفقهاء دینی می باشند. آنها که میراث

دار حجت های الهی می باشند. آنها که
هادیان بشریت بسوی خدا می
باشند. آنها که حافظان دین الهی می
باشند. آنها که پناهگاه مردم محروم
و مستضعفین جامعه هستند. آنها که
یاور مظلوم و دشمن ظالمان هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و
آله ، بیش از هر پیام آوری، پیروان
موءمن خویش را به تحصیل علم و

دانش صحیح و هدفمند امر نموده
است و قرآن در میان سایر کتب بیش
از همه، علم و علماء را ستوده است.
قرآن کریم در آنجایی که می فرماید:
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ (زمر) بین دانشمندان و غیر
ایشان امتیازی آشکار دیده است و
بلکه به مفاد آیه شریفه الَّذِي خَلَقَ
سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ
الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لَتَعْلَمُوا... (طلاق 21/ علم و

معرفت و آگاهی را علت خلقت جهان
عُلوی و سفلی قرار داده است.

«رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَ مَنَارًا،
كَانُوا دُعَاءً إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَ مَجْهُودِ
طَاقَتِهِمْ؛» (خداوند گروهی را مورد
رحمت قرار دهد که چراغ فروزان و
روشنی بخش بودند و با اعمال خویش
و به کار بردن تمامی توان خود مردم
را به سوی ما دعوت کردند.⁽¹⁾

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَايَ. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ!
مَنْ خُلَفَاءُكَ؟، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :
الَّذِينَ يُحْيُونَ سُنَّتِي وَيُعَلِّمُونَهَا
عِبَادَ اللَّهِ.»⁽²⁾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
«خداوند جانشینان مرا رحمت کند.
گفته شد یا رسول الله! جانشینان شما
چه کسانی هستند؟، فرمود: کسانی که
سنت مرا زنده می کنند و آن را به
بندگان خدا می آموزند.»

استاد قرائتی در یکی از خاطرات خود می گوید: «در خدمت علامه طباطبایی بودم. از ایشان پرسیدم که قرآن می فرماید: "إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ"؛ (فاطر / 28). "از بین بندگان خدا تنها آنها که عالم و دانایند خداترسند." در حالی که من در اول تحصیل و طلبگی ام که عبادت می کردم، حال بهتری داشتم. هر چه علمم بیشتر شد، حال و توجهم کمتر شده است. دلیلش چیست؟ ایشان

فرمودند: دلیلش این است که اینها که خوانده ای، علم حقیقی نبوده است؛ چون امیر المومنین علیه السلام می فرمایند: "ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ؛ ثمره علم، عبادت و بندگی خداست." پس علم واقعی آن است که هر چه بیشتر می شود، خشوع و تواضع و ادب انسان نیز بیشتر می شود، حال اگر دیدیم دانش آموز و دانشجو هر چه علمش بیشتر می شود،

(1) الحیاء، محمد رضا حکیمی و محمد

حکیمی، ج 1، ص 298

(2) قرآن و تبلیغ، ص 39

ادب و تواضعش نسبت به استاد و پدر

و مادر و دیگران کمتر می گردد،

معلوم می شود علمی که خوانده،

حقیقی و خداپسند نبوده است.⁽¹⁾

فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون
(نحل 34) از عالمان پرسید اگر نمی
دانید.

امام حسن عسگری (ع) فرمود:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ
حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ وَ مُطِيعًا
لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ» (2).

(هر یک از فقها که نفس خویش را
(در برابر گناه و خواری) حفظ کند و

حافظ دین خویش بوده، با هوای نفس
خود مخالفت ورزد و مطیع امر مولای
خود باشد، بر عوام است که از او تقلید
کنند.

در «عَوَّادُ الْإِيَّامِ» از «الفقه الرضوی»
روایت شده است که رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم فرمود: مَنْزِلُهُ
الْفَقِيهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ كَمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ
فِي بَنِي إِسْرَآئِيلَ. «منزله و میزان فقیه

در این زمان، مثل انبیا ء بنی اسرائیل
است»

روایتی است در «احتجاج شیخ طوسی»
که حدیث طویلی است، تا میرسد به
اینجا که: قِيلَ لِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: مَنْ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ أُمَّةِ
الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى؟! قَالَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: الْعُلَمَاءُ إِذَا صَلَحُوا»

به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض
شد: بهترین خلائق بعد از ائمه هدی و

چراغهای تابان ظلمات و تاریکی چه
کسانی هستند؟! حضرت فرمود: علماء
هستند زمانی که صالح باشند.

(1) مجله مبلغان

(2) وسائل الشیعه ، ج 18، ص 94 و

95

روایتی است در مجمع البیان طَبْرِسِيّ
از رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله و

سَلَّمَ که فرمود: فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى النَّاسِ
كَفَضْلِي عَلَى أَذْنَاكُمْ

«میزان فضیلت و شرافت عالم بر
مردم، مثل میزان شرافت و فضل من
است بر پائین ترین افراد شما.»

روایتی است در منیه المريد شهيد
ثانی، که خداوند علیّ اعلیّ به عیسی
بن مریم می فرماید: عَظَّمَ الْعُلَمَاءَ وَ
اعْرِفْ فَضْلَهُمْ، فَإِنِّي فَضَّلْتُهُمْ عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِي إِلَّا النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ كَفَضْلِ

الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ، وَ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ
عَلَى الدُّنْيَا، وَ كَفَضْلِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.

«ای عیسی! مقام علماء را عظیم بدار!
فضل و شرف آنها را بدان و بدرجه و
مقام و فضل آنها عارف شو! چرا؟ برای
اینکه من علماء را فضیلت دادم بر
تمام مخلوقات خودم سوای پیغمبران
و مرسلین، مثل فضیلت و شرافتی که
خورشید بر ستارگان دارد؛ و مثل
فضیلت و شرافتی که آخرت نسبت به

دنیا دارد؛ و مثل فضیلتی که من بر هر
چیز دارم.»

در توقیع نقل شده از امام زمان عج در
پاسخ اسحاق بن یعقوب که حکم
برخی از مسائل را پرسیده بود، چنین
آمده است :

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا
إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ
أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»⁽¹⁾

و در مورد رویدادهای پدید آمده ،
باید به راویان حدیث ما (فقهاء شیعه)
رجوع کنید، آنان حجت من بر شما
هستند و من حجت خدا بر آنها هستم
.

(1) وسائل الشیعة ، ج 18، ص 101

امام امت آن افتخار روحانیت درباره
نقش روحانیت می فرماید:

«صدها سال است که روحانیت اسلام
تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه
مستضعفان از کوثر زلال معرفت
فقهای بزرگوار سیراب شده اند. از
مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که به
حق از جهاتی افضل از دماء شهیدان
است که بگذریم، آنان در هر عصری
از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی
ومیهنی خود مرارت ها و تلخی هایی
متحمل شده اند و همراه با تحمل
اسارت ها و تبعیدها، زندان ها و اذیت

و آزارها و زخم زبان ها، شهدای
گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق
تقدیم نموده اند. شهدای روحانیت
منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در
ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام
حوزه ها و روحانیت که در مسیر نشر
معارف و احکام الهی به دست مزدوران
و نامردمان، غریبانه جان باخته اند
زیاد است. در هر نهضت و انقلاب
الهی و مردمی علمای اسلام اولین
کسانی بوده اند که بر تارک جبین

شان خون و شهادت نقش بسته
است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را
سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت
پیش کسوت شهادت نبوده اند و بر
بالای دار نرفته اند و اجساد مطهرشان
بر سنگفرش های حوادث خونین
به شهادت نایستاده است؟ در 15
خرداد و در حوادث قبل و بعد از
پیروزی، شهدای اولین از کدام قشر
بوده اند؟ خدا را سپاس می گذاریم که
از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول

های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از
کوچه و خیابان تا مسجد و
محراب امامت جمعه و جماعات و از
دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط
مقدم جبهه ها و میادین مین، خون
پاک شهدای حوزه و روحانیت افق
فقاقت را گلگون کرده است و در
پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز
رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه
ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتیر
است. بیش از دوهزار و پانصد نفر از

علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار
سرمایه

داران و پول پرستان و خوانین نرفته
اند و همواره این شرافت را برای خود
حفظ کرده اند و این ظلم فاحشی است
که کسی بگوید دست روحانیت اصیل
طرفدار اسلام ناب محمدی با
سرمایه داران در یک کاسه است و
خداوند کسانی را که این گونه
تبلیغ کرده و یا چنین فکر می کنند،

نمی بخشد. روحانیت متعهد، به خون
سرمایه داران زالوصفت تشنه است و
هرگز با آنان سرآشتی نداشته و
نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و
ریاضت درس خوانده اند و پس از
کسب مقامات علمی و معنوی نیز
به همان شیوه زاهدانه و با فقر و
تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا
زندگی کرده اند و هرگز زیر بار منت
و ذلت نرفته اند. دقت و مطالعه در

زندگی علمای سلف، حکایت از فقر
ونهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب
معارف می کند که چگونه در پرتو نور
شمع و شعاع قمر تحصیل کرده اند و
با قناعت و بزرگواری زیستند. در
ترویج روحانیت و فقاقت نه
زورسرنیزه بوده است، نه سرمایه پول
پرستان و ثروتمندان بلکه هنر و
صداقت و تعهد خود آنان بوده است
که مردم آنان را برگزیده اند. مخالفت

روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن
در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ
اجانب بوده است. احساس خطر از
گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً
فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود
که آنان با اختراعات و پدیده ها
برخوردا احتیاط آمیز کنند علمای
راستین از بس که دروغ و فریب
از جهانخواران دیده بودند، به هیچ
چیزی اطمینان نمی کردند و ابزاری از

قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان
مقدمه وروداستعمار بود، لذا گاهی
حکم به منع استفاده از آنها را می
دادند. آیا رادیو و تلویزیون در
کشورهایی چون ایران وسایلی
نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان
آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و
تلویزیون برای بی اعتبار کردن عقاید
مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم
ملی استفاده نمی نمود؟ به هر حال

خصوصیات بزرگی چون قناعت و
شجاعت و صبر و زهد و طلب علم
و عدم وابستگی به قدرت ها و
مهمتر از همه احساس مسوولیت در
برابر توده ها، روحانیت را زنده و
پایدار و محبوب ساخته است و چه
عزتی بالاتر از این که روحانیت با کمی
امکانات، تفکر اسلام ناب را بر
سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان
جاری ساخته است و نهال مقدس

فقاہت در گلستان حیات و معنویت
ہزاران محقق بہ شکوفہ نشستہ است
راستی اگر کسی فکر کند کہ استعمار،
روحانیت را با این ہمہ مجد و عظمت و
نفوذ تعقیب نکرده و نمی کند، سادہ
اندیشی نیست؟^(۱)

نقش علماء در دوران غیبت کبری

۱- حفظ اسلام

همانطور که پیامبران و امامان ع
مسئولیت مهم حفظ دین را بر عهده
داشتند و هر کدام که می آمدند در
مدت عمر امامتشان حافظ دین بودند.

«وَتَخَيَّرْتُ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ
مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مَدَّةٍ إِلَى مَدَّةٍ، إِقَامَةً
لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلَيْلًا يَزُولُ
الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى
أَهْلِهِ،

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ،
أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةِ
بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ
الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ
أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ»⁽²⁾

علماء شیعه هم در طول تاریخ
تشیع، باهمه توانشان از دین حفاظت
کردند تا به دست ما رسیده است.

امام امت رض در کتاب شریف ولایت
فقیه می نگارد: «این که فرموده اند:
فقها حصون اسلامند؛ یعنی مکلفند
اسلام را حفظ کنند و زمینه ای را
فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام
باشند و این از اهم واجبات مطلق می
باشد نه مشروط.»

(1) سخنرانی سوم اسفند 67

(2) فراهائی از دعای ندبه

امام امت معتقد بودند حفظ دین از
نماز هم واجب تراست و علماء شیعه
هم این وظیفه را به نحو احسن انجام
دادند و نگذاشتند این دین الهی
همچون مسیحیت و یهودیت دچار
تحریف شود بلکه با مجاهدت علماء
شیعه، اسلام ناب محمدی صحیح
و سالم و تحریف نشده بلکه روشن تر
از گذشته به دست ما رسیده است

و همین افتخار برای این میراث داران
پیامبران کافی است.

امام خمینی (رض) درباره نقش
روحانیت در اسلام فرمودند: ما می
بینیم که ای ن اسلام را با همه ابعادش
، روحانیون حفظ کرده اند. یعنی
معارفش را روحانی حفظ کرده، فلسفه
اش را روحانی حفظ کرده، اخلاقش را
روحانی حفظ کرده، فقهش را روحانی

حفظ کرده، احکام سیاسیش را روحانی
حفظ کرده است.

اسلام بی روحانی مانند اسلامی است
که سیاست نداشته باشد. اسلام و
آخوند این طور توی هم
هستند. اسلام بی آخوند اصلاً نمی شود.
پیامبر هم آخوند بوده. یکی از
آخوندهای بزرگ، پیامبر
است. حضرت امام جعفر صادق هم
یکی از علمای اسلام است.»⁽¹⁾

2- اشاعه فرهنگ قرآن و اهل بیت

(ع)

علماء شیعه با مجاهدتها ی عظیم خود، توانستند فرهنگ قرآن و فرهنگ اهل بیت ع را اشاعه دهند و بشریت را با این دو امانت پیامبر اسلام (ص) آشنا سازند. در داستانهای که از بعضی از علماء در این کتاب نقل شده، ملاحظه می کنید که مثلاً آخوند ملاکاظم خراسانی چقدر گرسنگی و فقر را

تحمل کرده ولی با همت والا توانست
دهها مجتهد تربیت نماید. یا سید نعمه
الله جزایری چه شبهای فراوانی که

(1) کتاب ولایت فقیه یا حکومت

اسلامی

تا صبح به مطالعه مشغول بوده تا این
میراث عظیم ائمه ع را محافظت نما
ید. و دیگر علماء هم این چنین بودند.

3- مبارزه با بدعتگزاران

پیامبر اکرم (ص) یکی از وظایف عالم
دینی را، مبارزه با بدعت و آگاه
ساختن مردم از انتشار آنها بیان می
فرمایند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ
الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنُهُ
الله» ⁽¹⁾ آن گاه که بدعتها در امت من
ظهور کنند، پس عالم باید علم خود را

آشکار سازد. پس هر کس چنین
نکند، لعنت خدا بر او باد.»

امام عظیم الشان فرمود:

«اگر بدعت ها در دین ظاهر بشود، بر
علماست که دانش خود را آشکار کنند
و نگذارند فریب ها و نیرنگ ها و
دروغ های بدعت گذاران در دین و در
مردم اثر کند و باعث انحراف شود.»⁽²⁾

4-تزکیه نفوس و انسان سازی

علماء شیعه در طول مدت دوران
غیبت کبری وظیفه انسان سازی را به
نحو احسن انجام دادند و توانستند
هزاران نفر را با معارف الهی آشنا
کنند و آنهارا از تاریکی و ظلمات گناه
و جهل و بی دینی، به نور ایمان و علم
و تقوا رهنمون شوند. مخصوصا امام
امت که واقعا اعجاز کردند و با این
انقلاب عظیم میلیونها نفر را در داخل
کشور و خارج متحول کرده، الهی
نمودند.

اینکه با وجود این همه ظلم به
شیعیان، شیعیان باشکوه تر از گذشته
به راه خود ادامه می دهند و هر روز بر
تعداد پیروان اهل بیت ع در دنیا
افزوده می گردد به

(1) کافی، ج 1، ص ج/45

(2) صحیفه، ج 8، ص 861

برکت مجاهدتهای علماء وفقهاء شیعه
می باشد.

5-تشکیل حکومت اسلامی در صورت
امکان

علماء شیعه هرگاه فرصت وامکان پیدا
می کردند به تشکیل حکومت اسلامی
مبادرت ورزیدند که نمونه آن انقلاب
اسلامی ملت ایران به رهبری امام
امت رض می باشد اگرچه در دوران

صفویه، نیز علماء شیعه با عنوان شیخ
الاسلام تا آنجا که می توانستند به اجرا
ی دستورات اسلامی می
پرداختند. همانند شیخ الاسلامی علامه
مجلسی یا شیخ بهائی یا علامه کرکی .

6- حمایت از محرومان

حوزه و روحانیت در طول تاریخ،
شریک درد و رنج مردم بوده و درد
ایشان را رنج خود دانسته و در حد

توان خود در رفع نیاز های آنان
کوشیده است.

امام خمینی رض می فرماید:

«آن چیزی که روحانیون، نباید هرگز
از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات
دیگران از میدان در بروند، حمایت از
محرومین و پا برهنه هاست ... در
تحقق آن، اگر کوتاهی کنیم خیانت به
اسلام و مسلمین کرده ایم.»⁽¹⁾

رهبر کبیر انقلاب در این زمینه می
فرمایند:

«صدها سال است که روحانیت اسلام،
تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه
مستضعفان از کوثر زلال معرفت
فقهای بزرگ سیراب شده اند.⁽²⁾

«...روحانیت عزیز باید به این اصل
توجه عمیق داشته باشند و افتخار
تاریخی و بیش از هزار ساله پناه گاهی

محرومان را برای خود حفظ کنند و به
سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند
که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه
محرومین را به انقلاب و

(1) صحیفه، ج 20، ص 442

(2) همان، ج 21، ص 98

حمایت بی دریغ آنان را از اسلام

فراموش کنیم و بدون جواب

بگذاریم.»⁽¹⁾

7- یاور مظلومان و دشمن ظالمان

در طول تاریخ غیبت کبری، علماء

شیعه همواره ناصر و یاری‌گر

مظلومین بودند و هیچگاه با ظالمان

و مستکبران همراه و همکار نبوده

اند. نمونه آن مبارزات سید جمال

اسدآبادی، میرزای شیرازی، میرزا

کوچک جنگل ی ،شیخ فضل الله نور ی
، آیه الله کاشانی ،نواب صفوی ودر
راس همه وعظیم تر و مهم تر از همه
مبارزین تاریخ اسلام،مبارزات امام
خمینی رض و علماء یاور وهمراه
ایشان در همه بلاد ایران می باشد.

در حال حاضر هم پرچم مبارزه با
استکبار جهانی ورژیم ظالم وجنایتکار
صهیونیستی بدست باکفایت آیه الله

العظمی سید علی خامنه ای حفظه الله
می باشد.

8- رهبری معنوی شیعیان

از مهمترین مسئولیت هائی که علماء
شیعه به عهده داشتند و در این کار
بسیار موفق بودند رهبری معنوی
پیروان اهل بیت ع در دوران غیبت
کبری بوده است. در هر شهر و
روستائی عالمی بوده است که چون
خورشید می درخشیده و مردم به چشم

نایب امام زمان عج به او نگاه
می کرده‌اند. لذا هر دستوری می‌داده
و هر مطلبی می‌فرموده مردم اطاعت
می‌کردند. و دستور او را مهم‌تر از
دستور حاکمان و سلاطین
می‌دانسته‌اند. وقتی در سامراء مرض
وباء بیداد می‌کرد و هر روز تعدادی از
شیعیان تلف می‌شدند و می‌مردند. آیه
الله محمد تقی شیرازی مرجع آن زمان
دستور داد تا شیعیان زیارت عاشورا
بخوانند و ثوابش را به روح نرجس

خاتون س هدیه کنند. شیعیان همه
اطاعت کردند و به دستور ایشان عمل
کردند و نجات یافتند و دیگر

(1) همان، ص 921

احدی از وباء نمرده.

این هشت مورد همه آنچه که وظیفه
علماء شیعه بوده نیست بلکه قسمتی

از آن وظایف است. که مهمترین اثر و نقش علماء شیعه در سخن امام هادی ع آمده که فرمود اگر علماء شیعه در دوران غیبت کبری نباشند همه مردم مرتد می گردند.

قال علی بن محمد علیهما السلام: لَوْلا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمِينَ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالِدَّالِينَ عَلَيْهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ

مِنْ فَخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَّا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ
عَنْ دِينِهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ أَرْمَةً
قُلُوبِ ضُعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ
صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أُولَئِكَ هُمُ
الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛

» بعد از غیبت قائم ما اگر باقی
نمی ماند کسانی از علماء که به سوی
خدا دعوت کنند و مردم را بر او
دلالت کنند و با براهین الهی از دین
خدا دفاع کنند و بندگان ضعیف خدا را

از بیابانهای خشک زار شیطان و پیروان
او و از دامهای دشمنان اهل بیت نجات
دهند، هیچ کس باقی نمی ماند مگر
اینکه از دین خدا بر می گشت. ولکن
این علماء هستند که زمام قلبهای
ضعفاء شیعه را در دست دارند؛
همانگونه که ناخدای کشتی سکان
کشتی را به دست دارد و آن را نگه
می دارد. این دانشمندان در نزد
خداوند عزیز و جلیل با فضیلت ترینها
هستند.»

البته علماء مشاورى امين ومدبر
ورايگان براى مردم بوده‌اند كه براثر
اين مشورت‌ها افراد زيادى نجات
يافتند ومشكلشان حل شد.همچنين
امامت جماعت نمازهاى شيعيان در
طول دوران غيبت كبرى به عهده
عالمان ربانى بوده است.مسئوليت امور
حسبه از قبيل وجوهات شرعى و
مسائل عقد وازدواج وامثال آن را
عالمان شيعه انجام داده ومى
دهند.گسترش علوم قرآن وعلوم آل

محمد هم از کارهای بسیار بزرگ
عالمان شیعه در طول این دوران بوده
است. که نقش عالمان

شیعه در دوران تمدن اسلامی و در
تخصصی کردن علوم اسلامی غیر قابل
انکار است و شاهد آن هزاران جلد
کتابهای مهمی است که نوشته
و منتشر شده که فقط یک عنوان کتاب
علامه مجلسی 113 جلد است.

